

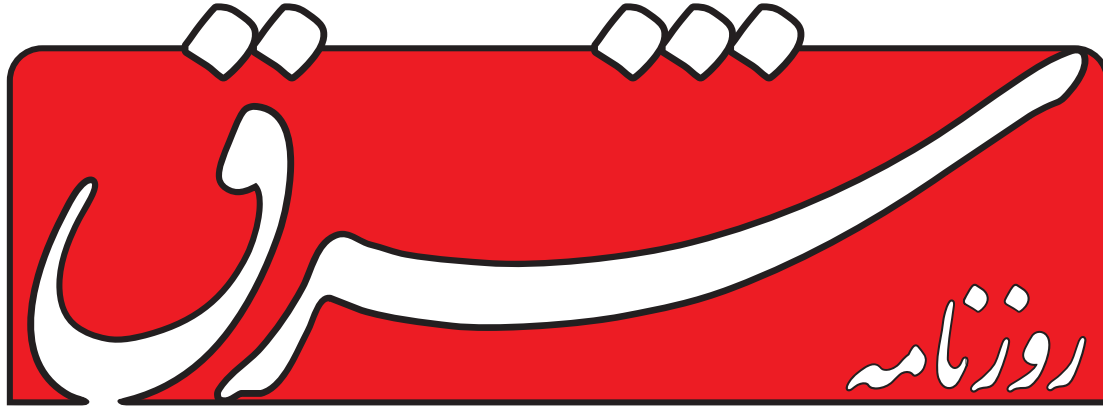


احمد غلامی

یکی از مؤلفه‌های مهم در مدیریت سیاسی «تصمیم‌گیری» است. چنانچه تصمیم‌گیری یکی از بحث‌های اساسی کارل اشمیت در تبیین نظریه‌اش است. اشمیت با اینکه اقتدارگراست و از دولت‌های مقتدر حمایت می‌کند و نظریاتش با لیبرالیسم و دموکراسی ناسازگار است، در ایران خاصه میان نخبگان سیاسی طرفداران زیادی دارد. او امر سیاسی را مناقشه بین دوست و دشمن می‌داند. این تفکر به‌نوعی تداعی‌گر دوست و دشمن در ایران است. تفکری که مانع جدی بر سر راه دموکراسی است. کارل اشمیت در فصل آخر جلد اول کتاب «الهیات سیاسی» مبحث درخشانی درباره تصمیم‌گیری دارد که بیانگر شیوه دیکتاتوری در حکومت‌داری است. پیداست که قصد ما در ارجاع به این بخش از بحث‌های اشمیت، دفاع از شیوه دیکتاتوری نیست، بلکه تأکید بر اهمیت تصمیم‌گیری است؛ همان نکته‌ای که خواسته و ناخواسته در تصمیمات اقتصادی، سیاسی و بین‌المللی ایران مغفول مانده است. اشمیت در تحلیل خود از دیدگاه دومایستری می‌گوید: «دومایستری با عشق خاصی از حاکمیت حرف می‌زند که در اصل به معنای تصمیم بود. برای او معناداری دولت به واقعیت تصمیم‌سازی‌اش بستگی داشت...». او در ادامه تحلیلش، سخن صریح دومایستری را نقل می‌کند: «اینکه یک تصمیم به چه شیوه‌ای اتخاذ می‌شود، اصلا مورد نظر ما نیست، بلکه چیزی که مهم است این است که تصمیم بدون تأخیر و غیرقابل بازگشت باشد». دو نکته اساسی در سخنان دومایستری وجود دارد: یکی اینکه تصمیم بدون تأخیر باشد و دیگری اینکه غیرقابل بازگشت. آنچه در دولت‌های ایران رایج است، تأخیر در تصمیم‌گیری است و تذبذب در اعمال این تصمیم‌گیری‌ها. اغراق نیست اگر بگوییم کسی در ساختار دولتی شجاعت پذیرش عواقب مسئولیت‌های خودش را ندارد و از این‌رو در هرم بسالی دولت و به‌طور اخص در میانه هرم، مدیران میانی برنامه‌هایشان معطل مانده است. شاید سرنوشت تلخ مدیران تصمیم‌ساز و تصمیم‌گیر در دوره‌های دولت سازندگی و اصلاحات موجب شده است اندک جرئت که در میان دولتمردان وجود داشت از بین برود. طرفه اینکه این مدیران همواره به حمایت از بورژوازی و تفکر لیبرالی متهم شده بودند؛ اتهاماتی که نه‌تنها واقعیت نداشت، بلکه معنای این دو تعبیر را هم محدود می‌کرد؛ چراکه آنان صرفا مدیران اجرایی بودند و چندان شناخت جدی‌ای درباره اتهاماتی که به آنان زده می‌شد، نداشتند.

اگر آنان حامیان بورژوازی بودند و تفکر لیبرالی را دنبال می‌کردند، دست بر قضا باید برای انجام کارهایشان به مجادله و مباحثه می‌پرداختند. همان‌طور که کارل اشمیت از جانب دونوسو کورتسی ریاست می‌کند، بورژوازی لیبرال اهل تصمیم‌گیری نیست و در کمتر منازعاتی شرکت می‌کند، اما در عوض آلت بحث و جدل است. اشمیت می‌گوید: «دونوسو کورتس بورژوازی را طبقه مجادله و مباحثه می‌داند». این متن با شاهد مثال آوردن از متفکرانی همچون کارل اشمیت، دومایستری و دونوسو کورتس قصد ترویج افکار آنان را ندارد، بلکه درصدد است نشان دهد نه شکل واقعی از بورژوازی در ایران وجود دارد، نه چهره لیبرال و آزادی‌خواهی که دغدغه‌اش مجادله و مباحثه باشد و نه شخصیت‌های تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز که شوی خودرانی تمام‌یار داشته باشند. دولت‌ها به وسیله تکنوکرات‌های محافظه‌کار و گاه منفعت‌طلب اداره می‌شوند؛ تکنوکرات‌هایی که فاقد ویژگی‌های فرهنگی بورژوازی هستند. این طبقه خواسته یا ناخواسته در جامعه نیز بازتولید شده و طبقه متوسطی را شکل داده است که به لحاظ درآمد و مصرف در طبقه بورژوازی جای دارد، اما فاقد ویژگی‌های بارز این طبقه است. با این وضعیت، دور از انتظار نیست افراد بسیاری برای حضور در دولت سر و دست بشکنند؛ چراکه قرار نیست آنان در دولت کاری پیش ببرند. نه شرایط مباحثه و مجادله برای آنان وجود دارد و نه شرایط تصمیم‌گیری‌های قاطع بدون تأخیر و بی‌بازگشت. اگر در دوره‌ای مدیران می‌آمدند تا در دولت‌ها مسئولیتی بر عهده بگیرند، جسارتی به خرج بدهند و این هزینه‌کردن شخصیت خود کاری را پیش ببرند یا مشاورانی هوشمند و آگاه از روشنفکران و دانشگاهیان را به کار بگیرند تا به شیوه مجادله و مباحثه برای آینده چندین دور برنامه‌ریزی کنند، اینک چنین شخصیت‌هایی وجود ندارد. نه اینکه کسانی که اکنون در راس کار هستند توانایی تصمیم‌گیری با مباحثه و مشاوره را ندارند، آنان دریافته‌اند که این راه پرخطر به مقصد نمی‌رسد و در یک کلام به صرفه نیست، پس با علم بر اینکه می‌توان کاری کرد، کاری نمی‌کنند. ابتدا به محافظه‌کاری تن داده‌اند و بعد به فریزه دریافته‌اند استراتژی دولت‌داری عوض شده است.

شنبه ۱۸ اسفند ۱۴۰۳
۷ رمضان ۱۴۴۶
۸ مارس ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۰۶۸
۲۰ هزار تومان
۱۲ صفحه



سخنگوی وزارت دفاع:

کنوانسیون برخی سلاح‌های متعارف ربطی به تسلیحات و تجهیزات کشورمان ندارد



در «شرق» امروز می‌خوانید: بررسی «شرق» از ناکام‌ماندن بیشتر پرونده‌های آزار و تجاوز به کودکان • رقابت «ریال» و «سوم» و زیرساخت • پرده‌برداری از یک پنهان‌کاری

برگزیده‌ها

سومین دوره جایزه انجمن صنفی روزنامه‌نگاران استان تهران برگزار شد

درخشش روزنامه‌نگاران «شرق»

صداهای متفاوتی از دولت برای اجرای اصل ۱۵ قانون اساسی شنیده می‌شود

«آموزش زبان مادری» آری «آموزش به زبان مادری» خیر

جزئیاتی از جرائم ساداتی نژاد و فاطمی‌امین در دولت سیزدهم که محکوم به زندان شدند

فساد دیش دو وزیر

نامه ۲۱۰ خبرنگار و روزنامه‌نگار به رئیس‌جمهور

برای «نه به تصادف» گام عملی بردارید

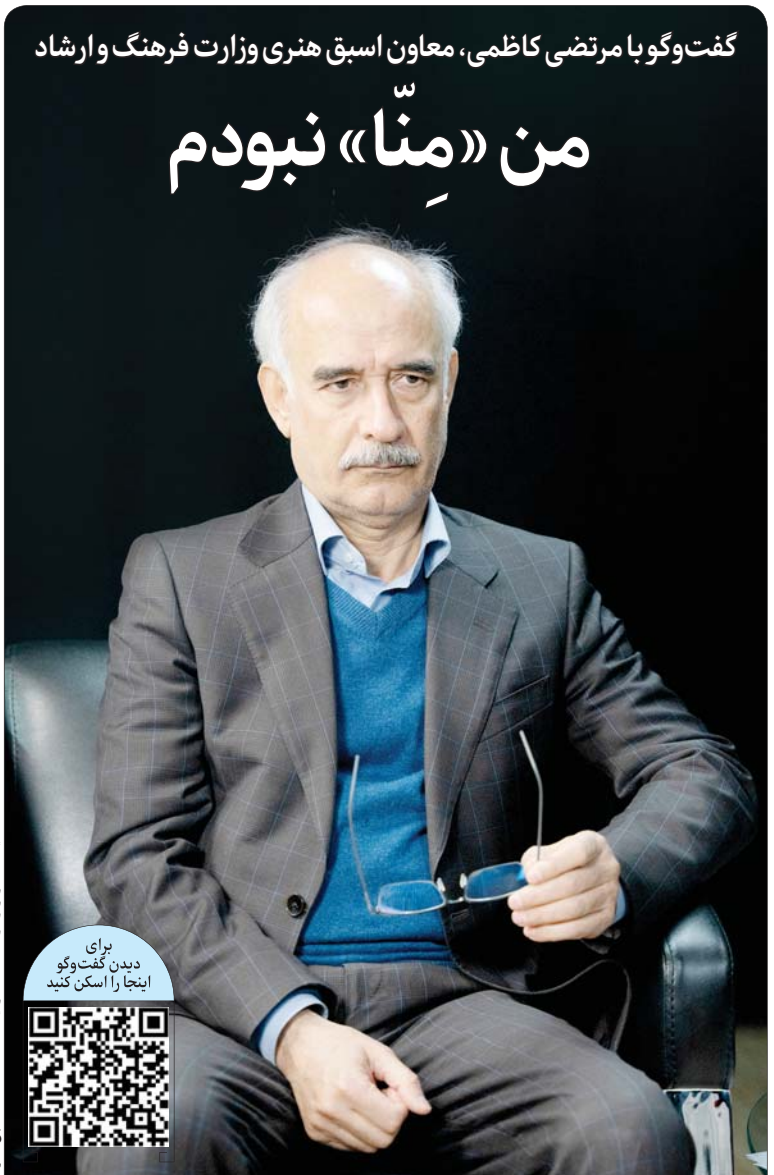
یادداشت

روسیه؛ تسهیلگر یا میانجیگر؟

غلامرضا نظربند

تحلیلگر

برخی منابع رسانه‌ای خارجی از تماس روس‌ها با مقاماتی در ایران سخن به میان آورده‌اند که هدف از آن، میانجیگری بین کشورمان و ایالات متحده آمریکا است. اینکه گفت‌وگو بین تهران و واشنگتن ضرورت دارد یا نه و اینکه چنانچه ضروری باشد، وقت آن اکنون است یا نه، پرسش‌هایی است که در این مقال نمی‌کنجد. هرچند که پرداختن به آنها را در جای خود ضروری می‌کند. هدف این یادداشت پرداختن به موضوع میانجیگری احتمالی روسیه در اختلافات ایران و آمریکا است که به دلایلی که در زیر می‌آید، مناسب به نظر نمی‌آید؛ نخست آنکه، روس‌ها به صورت کلی در امر میانجیگری نه از تجربه لازم برخوردارند و نه اصولا چمن آن را دارند. دوم آنکه، روسیه در موارد اختلافی بین ایران و آمریکا از قبیل موضوع هسته‌ای، سیاست‌های منطقه‌ای جمهوری اسلامی از جمله درباره گروه‌های «نیابتی»، نگرش منفی تهران درباره موجودیت اشغالگرانه اسرائیل و... هیچ مخرج مشترکی با تهران ندارد. این نبود همذات‌پنداری می‌تواند آن کشور را به این سمت رهنمون کند که تهران را به دست‌کشیدن از مواضع مزبور تشویق کند و به طرف آمریکایی بدون آنکه مابابایی برای ایران در کار باشد، امتیاز بدهد.



گفت‌وگو با مرتضی کاظمی، معاون اسبق هنری وزارت فرهنگ و ارشاد

من «منّا» نبودم

برای دیدن گفت‌وگو اینجا را اسکن کنید

این گفت‌وگو را در صفحه مجله‌های شرق، شرق نیوز و شرق نیوز آنلاین مشاهده می‌کنید.

«شرق» از ادعای ترامپ درباره ارسال نامه به ایران مذاکرات با روس‌ها و تشدید فشارها علیه تهران گزارش می‌دهد

دوگانگی و اشنگتنی

عبدالرحمن فتح‌اللهی: در شرایط کنونی که ایالات متحده فشارهای اقتصادی و تحریمی علیه ایران اعمال می‌کند، خبیر ترامپ مبنی بر ارسال نامه به ایران، هم‌زمان با تلاش‌های دیپلماتیک روسیه برای میانجیگری، نشان‌دهنده یک موقعیت پیچیده است. از یک سو، سیاست «فشار حداکثری» دولت جدید آمریکا به‌طور جدی ادامه دارد و تحریم‌ها علیه ایران به‌ویژه در زمینه‌های نفتی و اقتصادی شدت یافته است. این فشارها هدف اصلی خود را وادارکردن تهران به پذیرش شرایط مدنظر ایالات متحده می‌دانند. در سوی دیگر، روس‌ها به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در مذاکرات هسته‌ای، به نظر می‌رسد در تلاش هستند تا کانال‌های دیپلماتیک میان ایران و آمریکا را حفظ کرده و از هر فرصتی برای ایجاد فضایی برای مذاکرات استفاده کنند. گفت‌وگوهای پنهان و میانجیگری‌ها ممکن است

بلبشو در شام

بازمانده‌های حکومت بشار اسد در سوریه دست به کار شدند و یک نزاع خونین را کلید زدند

صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت

منافع دیپلماسی فعال برای عربستان سعودی



اردوان امیراصلانی

درحالی‌که از زمان تحلیف دونالد ترامپ اخبار بین‌المللی شتاب بیشتری گرفته است، دیپلماسی عربستان سعودی در اوج قدرت قرار دارد. در ۱۲ فوریه گذشته، ولادیمیر پوتین و دونالد ترامپ پس از یک گفت‌وگوی تلفنی طولانی توافق کردند که برای دستیابی به صلح در اوکراین، مذاکراتی فوری با حمایت عربستان سعودی آغاز شود. در این راستا، وزیر امور خارجه آمریکا مارکو رابینو و همتای روسی‌اش سرگئی لاوروف، در ۱۸ فوریه در ریاض دیدار کردند و وزارت خارجه‌های دو کشور اعلام کردند که به‌زودی نشست بین‌رؤسای جمهوری دو کشور برگزار خواهد شد. عربستان سعودی که در طول این مناقشه به سیاست بی‌طرفی خود وفادار مانده است، از روابط ویژه‌اش با ایالات متحده و روسیه بهره می‌برد تا خود را به‌عنوان یک قدرت دیپلماتیک واقعی مطرح کند و در عین حال منافع خود را نیز تأمین کند. از ابتدای مناقشه، این پادشاهی انتخاب کرد که حمله روسیه به اوکراین را محکوم نکند و از پیروی از سیاست انزوا روسیه که از سوی دولت قبلی آمریکا پیش برده می‌شد و اروپایی‌ها نیز از آن پیروی می‌کردند، خودداری کرد. با وجود تحریم‌های اقتصادی، عربستان روابط تجاری خود با مسکو را با خرید نفت روسیه با قیمت پایین برای مصرف داخلی و صادرات نفت خود که از نظر اقتصادی سودآورتر است، حفظ کرد. این پادشاهی به همکاری نزدیک با روسیه برای تأثیرگذاری بر قیمت نفت با توجه به ظرفیت‌های هر دو کشور ادامه داد.

اوج این همکاری، دیدار ولادیمیر پوتین از ریاض در ۶ دسامبر ۲۰۲۳ بود که نشان‌دهنده فاصله‌گرفتن از هم‌راستایی کامل با واشنگتن بود. این دیدار

ازین‌رو پادشاهی عربستان سعودی قصد دارد از تلاش‌های میانجیگری

یادداشت

حالا با ابزار وفاق چه کنیم؟



مهررداد احمدی شیخانی

اگر از کسانی هستید که قبلا هم یادداشت‌های مرا خوانده‌اید، این را می‌دانید که بارها در موضوع شرکت در انتخابات نوشته‌ام و این را هم گفته‌ام که فقط دو بار رای نداده‌ام؛ یکی فرزاندهم جمهوری اسلامی در ۱۲ فروردین ۵۸ که لحاظ سنی شش ماه کم داشتم و پای صندوق رای هم رفتم ولی مسئولان صندوق مانع رای‌دادم شدند و یک بار هم به اراده شخصی و از این منظر که رای‌دادم بی‌نتیجه است و تصمیم جای دیگری گرفته می‌شود و رای ما زینت‌المجالس است. غیر از این دو بار، همیشه پای صندوق رای رفتم‌ام و تلاش بسیاری هم کرده‌ام که دیگران را نیز راضی به مشارکت کنم؛ حتی در انتخابات ۱۴۰۰ که از این بابت تهمت‌هایی نیز شنیده‌ام که به مرور زمان بیشتر و بیشتر شده و احتمالا از آنجایی که همچنان معتقد به شرکت در انتخابات هستم، پس از این هم افزایش تصاعدی خواهد یافت. بااین‌حال، از آنجا که به هر دلیل، هیچ‌وقت نفی از این حمایت تمام‌قد از انتخابات نبرده‌ام، همه آن تهمت‌ها قابل تحمل است؛ چون نمی‌دانم بگویم خوشبختانه یا بدبختانه، در همه این ۴۶ سال نه پستی دولتی گرفته‌ام و نه از موهبت‌های ریز و درشتی که بسیاری از آن بهره‌مند بوده‌اند و حالا علم اپوزیسیون به دوش گرفته‌اند، برخوردار و حتی ربالی از آن مبلغ واریزی یارانه که تقریبا همه از آن برخوردار بوده‌اند و این همه مطلقا برنمی‌گردد به هیچ گرایش خاصی؛ چراکه شاید به دلیل زبان صیقل‌نخورده‌ام که حسابگری ندارد، چه بر موافق یا مخالف، بدون محاسبه‌گری منفعت‌طلبانه، نقد کرده‌ام و هیچ دولتی، نه اصلاح‌طلب و نه ناسولگرا، تمایلی در نزدیک نگه‌داشتن من ندارد و دیگر عموماً هم کرده‌ام و بازگشت از این مسیر برایم دشوار است، هرچه هست، بارها از این گفت‌وگو مهم‌تر از منتخب است» و اتفاقا یادداشتی در همین روزنامه «شرق» با این عنوان داشته‌ام و گفته‌ام در اینجایی که ما هستیم و نامش خاورمیانه است، غیر از ترکیه که در غرب ماست و پاکستان (اگر با تسامح آن را هم یک جورهایی به خاورمیانه چسبانیم)

از روزنامه‌فروشی‌ها بخواهید

شرق منتشر شد

۱۳۵۳ سال

سالی به درازای یک قرن

با چراغ و آینه

شماره تلفن سفارشات: ۰۲۱۸۸۹۴۲۰۳۵ | ۰۹۱۰۲۰۴۳۹۲۴